

رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در قبال خیزش مردمی بحرین

* حمید درج

** علیرضا سمیعی اصفهانی

چکیده

مردم بحرین به دنبال خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، خواستار سرنگونی رژیم آل خلیفه شدند. این قیام در جهان عرب نگاه بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را متوجه خود ساخت. ایران از جمله کشورهایی بود که از همان ابتدا روند تحولات بحرین را دنبال نمود. جمهوری اسلامی به دلیل شاخصه مردم‌سالاری و انقلابی بودنش، همواره الهام‌بخش حرکت‌های مردمی در کشورهای منطقه بوده است، از این رو پس از وقوع خیزش‌هایی در بحرین، به شیوه‌ای دیپلماتیک از آنها حمایت نمود و در این راستا هرگونه سرکوب مردم را محکوم کرد. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین چه رویکردی را در سیاست خارجی خود پیش گرفته است؟ یافته تحقیق نشان می‌دهد که نظام ایران بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی با ابتدای بر حفظ استقلال ملت‌ها، در عین مخالفت با هرگونه دخالت و حضور نیروهای خارجی در بحرین در راستای هرچه مطلوب‌تر وضعیت شیعیان این کشور گام بر می‌دارد. در این تحقیق فرضیه پژوهش با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری به آزمون گذاشته می‌شود.

واژگان کلیدی

ایران، بحرین، بیداری اسلامی، نظریه سازه‌نگاری.

hamid.dorj@gmail.com

asamiei@yu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱

طرح مسئله

با بروز تحولات سیاسی جدید در منطقه، در پی وقوع انقلاب‌های جهان عرب درجه‌ای از حضور فعال ایران در منطقه و شرکت در روند تثبیت نقش‌ها و نظم‌های جدید اجتناب‌ناپذیر شده است، اما اصل مهم در تأمین منافع ملی ایران، ایجاد تعادل بین درجه حضور ایران در محیط فوری و غیرفوری امنیتی و بهره‌گیری از فرصت‌ها در شرایط انتقالی منطقه است. جنبش‌های مردمی در جهان عرب که با قیام تونس در اواخر سال ۲۰۱۰ م آغاز شد و در سال ۲۰۱۱ به بیشتر کشورهای عربی سرایت نمود، آغازگر مرحله نوبنی در حیات سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین دگرگونی‌هایی در نظم منطقه‌ای شده است. تحولات مذکور به صورت زنجیروار کشورهای تحول‌پذیر منطقه را تحت تأثیر قرار دارد. بحرین از جمله کشورهایی بود که میزبان موج اعتراضات مردمی شد. دولت بحرین در شرایطی با اعتراضات مردمی روبه‌رو گردید که مردم این کشور با الهام از مردم تونس و مصر و درک این مهم که خودکامه‌ترین دیکتاتورها نیز در مقابل اراده مردم گردن می‌نهند در فوریه ۲۰۱۱ به خیابان‌ها آمدند و میدان لؤلؤ شهر منامه را به‌عنوان مکان تجمع خود برگزیدند. امری که از سوی ملت بحرین نشانه بیداری و نیز نارضایتی از نظام حاکم بود. پس از تحولات انقلابی بحرین، زمینه جدیدی باتوجه به تحولات ژئوپلیتیک در شکل و ساخت قدرت در این کشور در حال شکل‌گیری است. در یک سو ایالات متحده آمریکا و متحدان قدیمی‌اش در منطقه (عربستان سعودی و رژیم اشغالگر صهیونیستی) هستند که به نوعی خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین هستند و در سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که الزاماً خواهان به‌هم‌زدن وضع موجود نیست، اما با افزایش پایه‌های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه‌ای، خواهان ایفای نقش بیشتر با رویکرد منطقه‌ای و از زاویه حفظ منافع خود است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران راهبرد خود را باتوجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر سیاست خارجی در راستای حمایت از مطالبات مردمی در بحرین شکل داده است و از زاویه قدرت نرم تحولات این کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به این پرسش اصلی است که: جمهوری اسلامی ایران در قبال خیزش مردمی بحرین (۲۰۱۱) چه رویکردی را در سیاست خارجی خود در پیش گرفته است؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران براساس اصول و مبانی اعتقادی خود، درعین مخالفت با هرگونه دخالت و حضور نیروهای خارجی در بحرین در راستای هرچه مطلوب‌تر شدن وضعیت شیعیان این کشور گام برمی‌دارد.

۱. ادبیات پژوهش

در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در بحرین، آثار متعددی نوشته

شده است که صرفاً به چند نمونه از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌گردد:

کوبین داونز (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظری رقابت ایران و عربستان سعودی در بحرین» تلاش می‌کند از منظر رویکردهای واقع‌گرایانه و برساخت‌گرایی رقابت این دو بازیگر عمده و تأثیرگذار در کشور بحرین را بر پایه تصور و برداشت آنها از موقعیت بین‌المللی و همچنین جایگاهشان به مثابه یک بازیگر دولتی مورد بررسی قرار دهد.

اوانجلوس ونتی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «رقابت شیعه - سنی و شورش در بحرین» می‌نویسد؛ بحرین در چند سال اخیر صحنه تحولات سیاسی عمده‌ای بوده است که از دو جنبه حائز اهمیت است: کشمکش بین سکولاریسم و سنت از حیث سیاسی و رقابت بین اسلام سنی و شیعه از بعد مذهبی. افزون بر این، جایگاه و موقعیت استراتژیک این کشور برای امنیت خلیج فارس، اهمیت این بحران را دوچندان کرده است. به عقیده او اعتراضات مردم بحرین بازتاب تمایل عمومی جهان عرب برای انجام اصلاحات سیاسی - اجتماعی است.

کریستین کوتس اولریچسن (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «قیام بحرین ابعاد منطقه‌ای و پیامدهای بین‌المللی»؛ در پی پاسخ به این پرسش است که چرا جنبش طرفدار دموکراسی پیش از سال ۲۰۱۱ در تله ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی به دام افتاد. به اعتقاد او از آنجاکه شرکای بین‌المللی بحرین در جستجوی گزینه دیگری بودند، جنبش اجتماعی نوپای بحرین در حمایت از اصلاحات سیاسی، به طرز خشونت‌آمیزی سرکوب شد.

پینار آکپینار (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «میانجی‌گری به مثابه ابزار سیاست خارجی در بهار عربی؛ ترکیه، قطر و ایران» می‌نویسد: استفاده از ابزار میانجی‌گری توسط این سه بازیگر در بحران‌های ناشی از بهار عربی، در راستای اولویت‌های سیاست خارجی آنها بوده است. وی اشاره می‌کند که؛ در طی شورش‌های بهار عربی در بحرین، ایران تلاش کرد با میانجی‌گری بین شیعیان و دولت این کشور به حل‌وفصل این بحران کمک کند اما با توجه به جهت‌گیری‌های ضد ایرانی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، در این زمینه هیچ پیشرفتی حاصل نشد.

سید مرتضی هزاوه‌ای و فریده باوربان (۱۳۹۵) طی مقاله‌ای با عنوان «بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسئله بیداری اسلامی (مطالعه موردی قیام مردم بحرین)» کوشیده‌اند دلایل اتخاذ رویکردهای متفاوت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را با در نظر گرفتن منافع و علایق آنها، به‌عنوان دو قطب متعارض در تحولات درونی جامعه انقلابی بحرین مورد

بررسی و ارزیابی قراردهند. در این پژوهش از این حیث که ظهور پدیده بیداری اسلامی در بحرین منجر به امنیتی شدن فضای منطقه جنوب غربی آسیا و ایجاد تقابل و تنش میان دو بازیگر مهم منطقه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شده است، بر ضرورت و اهمیت بررسی مسئله انقلاب مردم بحرین تأکید شده است.

مسعود اخوان کاظمی و صفی‌الله شاه‌قلعه (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین» به تشریح و تبیین ژئوپلیتیک شیعه با تأکید بر شرایط و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای و به‌ویژه جنبش‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی، خصوصاً بحرین می‌پردازند. همچنین رویکرد و واکنش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به این انقلاب نیز مورد بررسی و ریشه‌یابی واقع شده است. این پژوهش نیز دلایل برخورد دوگانه غرب را با استناد به بازتعریفی از تحول ژئوپلیتیک شیعه در ارتباط با انقلاب بحرین مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

حسینعلی توتی و احمد دوست‌محمدی (۱۳۹۲)، در مقاله «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن» ظرفیت‌های ایجاد شده در پی تحولات بحرین برای تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر این کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان این نوشتار بر این باورند که پیش از بازشناسی محتوای اندیشه‌ورزی و قدرت نرم‌افزاری ایران در عرصه‌های جهانی، باید به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح خاورمیانه، به‌ویژه کشور بحرین پرداخت. همچنین برای بهینه‌سازی فرصت‌های موجود در تحولات اخیر راهبردهایی ارائه شده است.

نوشتار حاضر تلاش می‌کند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در بحرین را با تکیه بر نظریه سازه‌نگاری و بر پایه فهم و برداشت ایران از نقش‌های ملی خود (ملهم از گفتمان انقلاب اسلامی) و همچنین مواضع و رفتارهای سایر بازیگران منطقه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

۲. چارچوب نظری پژوهش: سازه‌نگاری

به نظر می‌رسد برای بررسی و شناخت رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در بحرین، رهیافت «سازه‌نگاری»^۱ در مقایسه با سایر رهیافت‌ها و تئوری‌های روابط بین‌الملل، ابزار مفهومی سودمندتری باشد. سازه‌نگاری که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث روابط بین‌المللی شد، ریشه در مسئله جامعه‌شناختی دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر^۲ و توماس لاکمن^۳ مطرح شد.

-
1. Constructivism.
 2. Peter Burger.
 3. Thomas Lackman.

فردریک کراتچویل^۱، نیکلاس اونف^۲ و الکساندر ونت^۳ از متفکران اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶) سازه‌انگاری از جمله نظریات دارای هستی‌شناسی ضد ماتریالیستی است که با رویکردی انتقادی معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم‌توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره‌ها در تحلیل مسائل پیرامون، دچار نقصان می‌باشند و برای تفسیری جامع از عرصه بین‌المللی باید انگاره‌ها، قواعد، هنجارها و فرهنگ را نیز دخیل دانست (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴۳) بر پایه تفکر سازه‌انگاری، واقعیت را مستقل از ذهن نمی‌توان بررسی نمود و واقعیت امری بین‌ذهنی است و فاعلیت در شکل‌گیری آن نقش دارد. واقعیت ساخته ذهن است و این ذهن با اجتماع هم در پیوند است و در چارچوب جامعه، تاریخ و هویت خود جهان را می‌سازد و به شناخت دست می‌یابد. (Lasser & etal. 2002: 24-48) در این راستا، سازه‌انگاران بر این باورند که روابط بین‌الملل تنها در چارچوب نظامی از بازیگران اجتماعی که در تعامل با یکدیگر هستند و تعامل آنها بر مبنای قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که در یک محیط بین‌الذهنی شکل گرفته‌اند، فهمیده می‌شود و این جامعه‌ای است که رفتار اشخاص به آن قوام می‌بخشد و همزمان نیز، خود این اشخاص قوام یافته جامعه هستند. (Onuf, 2002: 8)

هویت و چگونگی شکل‌گیری آن یکی از مباحث عمده رویکرد سازه‌انگاری است. هویت از نظر سازه‌انگاران، امری اجتماعی است، به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود، بنابراین هویت سیال است. از این رو، در نگاه آنها برداشت کنش‌گران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید منافع جدید هم برای یک دولت مطرح می‌شود. (Ritbergger, 2002: 124) در حوزه روابط بین‌الملل، سازه‌انگاران در خصوص نقش هویت دولت‌ها، معتقدند که هویت بر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تأثیرگذار است. هویت به گفته لینچ، نشانگر «میزان درک دولت‌ها از مفاهیم و اهداف سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش دولت در جهان و انواع منافی که ارزش پیگیری دارند، می‌باشد» (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). بنابراین، تئوری سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل درها را به سوی بررسی هویت‌سازی گشوده است. کراتچویل و کاتزنشتاین^۴ به تأثیر هویت داخلی و هنجارهای بین‌المللی بر رفتار و تلقی‌های بازیگران تأکید می‌کنند به گونه‌ای که بازیگران در قالب تصورات خود که برآمده از محیط داخلی، اسطوره‌ها، جهان‌بینی و باورهای عمومی آنها می‌باشد وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند (Katzenestein, 1996: 58).

1. Frederic Carratchville.
2. Nicholas Onof.
3. Alexander Went.
4. Katzenstein.

روی هم رفته، از نگاه سازه‌انگاران واقعیت بین‌المللی یعنی ساختارهای بنیادین بین‌المللی، فهم دولت‌ها از خود و رفتار عمومی دولت‌ها را شناخت بیناذهنی که خود وابسته به فرایند تعامل بین‌المللی است قوام می‌بخشد. به بیان ونت، ساختار جدا از فرایند یعنی رویه‌های کنش‌گران وجود ندارد (Went, 1999: 12) از منظر سازه‌انگاری، تحلیل سیاست خارجی از دولت به‌عنوان یک بازیگر آغاز می‌شود. یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند. سیاست خارجی تا اندازه‌ای عمل بر ساختن چیزی است که بازیگران تصمیم می‌گیرند و این دیدگاه اثر عوامل داخلی (هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها) بر سیاست خارجی را نشان می‌دهد. (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳ - ۴)

بنابراین، باتوجه به این مهم که اکثریت جمعیت بحرین شیعی هستند و بیشترین قرابت را با مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران دارند، می‌توان گفت که عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات این کشور، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته است. در ادامه تلاش می‌گردد با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری، رویکرد ایران در قبال تحولات سال ۲۰۱۱ بحرین را مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت ژئوپولیتیک و ژئوکالچر بحرین برای جمهوری اسلامی ایران

بحرین کشوری جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است. این کشور مرکب از سی و پنج جزیره با وسعت ۶۹۵ کیلومتر مربع کوچکترین کشور منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید (آدمی، ۱۳۹۱: ۲۹). از نظر جمعیتی، شیعیان در کشور کوچک بحرین، با اینکه هفتاد درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، تحت سلطه حکومتی سنی قرار دارند (Fuller & Franck, 1999: 54). بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بحرین کشوری است که روزگاری جزئی از پیکره ایران بود، هرچند که براساس پیمان‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۹۲ این کشور عملاً زیر سیطره انگلستان قرار داشت. این کشور کوچک جزیره‌ای در طی نظرسنجی که از سوی سازمان ملل انجام گرفت از ایران جدا شد و راه استقلال را پیمود. ایران به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در اقدامی رسمی استقلال بحرین را به رسمیت شناخت و هیئت حسن نیتی را در سال ۱۹۴۹ به سرپرستی منوچهر ضلی راهی بحرین کرد تا روابط با کشور تازه تأسیس آغاز گردد. با بازگشت نمایندگان ایران از بحرین روابط بین دو کشور روز به روز گسترش بیشتری پیدا کرد (طلایی، ۱۳۹۴: ۱). اگرچه بحرین کوچکترین کشور حاشیه خلیج فارس است ولی نزدیکی آن به ایران و وجود منابع انرژی بر اهمیت جغرافیایی و استراتژیک آن افزوده است، طوری که هم‌اکنون این کشور دارای جایگاه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۸۰ - ۷۹). بنابراین، بحرین برای جمهوری اسلامی ایران تنها در

حکم یک همسایه عادی نیست، بلکه این کشور در ورود ایران به ترتیبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی دارد. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. (نیکو، ۱۳۹۴: ۱)

ایران بزرگترین کشور شیعی منطقه همواره در پی گسترش نفوذ خود بین اکثریت شیعی بحرین بوده است. ایران ادعایی تاریخی در مورد سرزمین بحرین دارد چراکه این سرزمین قبل از روی کار آمدن سلسله آل خلیفه بخشی از امپراتوری ایران بوده است (Terrill, 2011: 19) از آن پس بسیاری از رهبران ایران مشروعیت نظام سیاسی بحرین و صلاحیت آن برای نمایندگی اکثریت مردم این کشور را به چالش کشیده‌اند. پس از انقلاب [اسلامی] سال ۱۹۷۹ در ایران، بسیاری از پادشاهی‌های خلیج فارس نسبت به منافع واقعی ایران در بحرین بدبینی و سوءظن داشته‌اند. پادشاهی‌های سنی تصور می‌کنند که بحرینی‌ها ستون پنجم بالقوه‌ای برای ایران هستند و این امر می‌تواند کل منطقه را دستخوش بی‌ثباتی کند. (Mabon, 2012: 85) این تصور پس از متهم ساختن ایران مبنی بر حمایت از یک گروه مخالف بحرینی برای انجام کودتایی در سال ۱۹۸۹، تقویت شد (Alhasan, 2011: 603). از سوی دیگر، نزدیکی با بحرین نگرانی عمده عربستان سعودی است، به ویژه به این دلیل که شیعیان عربستان سعودی (که در استان شرقی این کشور زندگی می‌کنند منطقه‌ای که دارای مقدار فراوانی نفت است) با شیعیان بحرین ارتباط بسیار نزدیکی دارند (Mabon, 2012: 87; Al-Rasheed, 2011: 514). همانند بسیاری از بحرینی‌ها، شیعیان عربستان، دولت خود را به تبعیضات خشونت‌آمیز نسبت به جامعه شیعه متهم می‌کنند، مسئله‌ای که به محرومیت آنها از امتیازات اجتماعی - اقتصادی منجر شده است (Remete, 2012: 23-24). در نتیجه، بحرین، سوپاپ یا دریچه‌ای برای اعمال فشارهای اجتماعی به رژیم عربستان سعودی است. به عبارت دیگر، ریاض معتقد است که آنچه در جامعه شیعه بحرین رخ می‌دهد می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که چه اتفاقی ممکن است برای شیعیان عربستان سعودی بیافتد (Mabon, 2012: 87). لازم به ذکر است که بحرین از لحاظ اقتصادی وابسته به عربستان سعودی است، وضعیتی که پس از بحران در بازار نفت، در دهه دوم ۲۰۰۰ تشدید شده است. افزون بر این، از آن زمان به بعد، این کشور متحد مهم عربستان در روند تصمیم‌گیری حساس در شورای همکاری خلیج فارس بوده است (Alhasan, 2011: 3; Downs, 2012: 215). در نهایت، ارتباط نزدیک با بحرین برای ریاض ضروری است چراکه از سال ۱۹۹۵، میزبان ناوگان پنجم ایالات متحده است که برای تضمین منافع واشنگتن و امنیت متحدان خود در آنجا مستقر شده است. (Ayoob, 2012: 87)

روند خیزش مردمی در بحرین

بحرین، تاریخ دیرپایی در مخالفت و مبارزه اپوزیسیون مردمی با خاندان آل خلیفه دارد که ریشه در سیاست‌گذاری‌های توسعه نابرابر و گزینشی این رژیم دارد. «نگاهی به گذشته سیاسی بحرین نشان می‌دهد تقریباً به صورت دوره‌ای، طی چهل سالی که از استقلال آن گذشته است در هر ده سال یک قیام به وقوع پیوسته، این امر نشان از ناپایداری نظام سیاسی در بحرین است که جامعه، نظام سیاسی حاکم بر آن را تافته‌ای جدا بافته از سرنوشت خویش تلقی می‌کند». (گلی زواره‌ای، ۱۳۹۱: ۳۵ - ۳۰)

تقسیمات فرقه‌ای در بحرین به گونه‌ای است که اکثریت جمعیت شیعه هستند، با این حال نخبگان حاکم (اقلیتی نزدیک به ۳۵ درصد بحرینی‌ها) قدرت سیاسی و نظامی را در این کشور در دست دارند (Terrill, 2011: 19). با این وضعیت بسیاری از مخالفان، خانواده سلطنتی را به تقسیم و تفکیک جمعیت شیعه، ایجاد دستگاه تبعیض بر علیه آنها، به ویژه هنگامی که موضوع شغل یا مناصب دولتی مطرح است، متهم می‌کنند (Pinto, 2014: 167; Remete, 2012: 23) افزون بر این، رژیم عمداً اعراب سنی را به منظور تعدیل تقسیمات مذهبی و جمعیتی به مهاجرت به مناطق شیعه‌نشین تحریک می‌کند. (Pinto, 2014: 167; Mabon, 2012: 85) به دنبال آغاز اعتراضات خیابانی، دولت بحرین سیاست تغییر بافت مذهبی این کشور را، که از مدت‌ها قبل آغاز نموده بود، با اعطای تابعیت به ۶۰ هزار عرب خارجی اهل تسنن تشدید کرد. (سلیمی و فخاری، ۱۳۹۰: ۸)

اگرچه اعتراض و مقاومت شیعیان، امری دیرپا در سنت سیاسی این کشور محسوب می‌گردد. با این حال، اعتراضات وسیع و قیام مردمی سال ۲۰۱۱ تحولی بسیار گسترده و عمیق‌تر در مقایسه با اعتراضات دهه‌های گذشته محسوب می‌شود که وقوع آن به نوع رویکرد خاندان حاکم، فاصله بین عملکرد و آنها رعایت گردد. جنبش مردمی بحرین، ملهم از شورش‌های عربی در فوریه ۲۰۱۱، خواستار پادشاهی مشروطه شدند. درخواست‌های معترضان ماهیت فرقه‌ای نداشت و آنها بیشتر بر حقوق سیاسی و مدنی خود تمرکز کرده بودند. در واکنش به این اعتراضات، رژیم آل خلیفه بلادرنگ با اعزام نیروهای نظامی و امنیتی با این اعتراضات برخورد کرد. اعتراضات در روزها و ماه‌های بعدی با کمک رسانه‌ها شدت یافت. رویارویی‌ها بین معترضان و نیروهای امنیتی هنگامی که جمعیت کشته‌شدگان و مجروحان را به بیمارستان می‌بردند، بالا گرفت و شعارهای مرگ بر خلیفه سر دادند. در فوریه ۲۰۱۲ الجزیره گزارش داد که در این درگیری‌ها دست‌کم ۸۰ نفر کشته و ۳۰۰۰ نفر مجروح شدند. (Sackman, 2011) در این رابطه، نیروهای امنیتی بحرین که دیگر تاب مقاومت مقابل معترضان را نداشتند دست به امان عربستان و امارات شده و پس از چند روز نیروهای «سپر جزیره» به طور مستقیم مدیریت عملیات

سرکوب را برعهده گرفتند. (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۸۴) رژیم آل خلیفه با این تصور که موج ارباب و سرکوب باعث خواهد شد معترضان دست از اعتراضات خود بردارند، دامنه حملات خود علیه تظاهرکنندگان را افزایش داده و حتی برخی مناطق را برای ماه‌ها محاصره کردند. درحالی‌که انتظار می‌رفت مجموعه کشورهای غربی مانند کشورهای تونس، لیبی و سوریه عکس‌العمل نشان دهند، قدرت‌هایی چون آمریکا و بریتانیا با نشان دادن چراغ سبز به اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه، راه را برای سرکوب بیشتر مزدوران این رژیم هموار کردند. از طرفی واکنش منفعلانه «کمیته بسیونی» (کمیته حقیقت‌یاب حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین که شریف بسیونی ریاست آن را برعهده دارد) نیز موجبات تشدید سرکوب‌ها در بحرین را فراهم آورد. تمامی تحرکات منفی رژیم آل خلیفه بازهم نتوانست جلوی موج خشم عمومی را سد کند و بحرین طی این مدت تقریباً به‌صورت مستمر شاهد برگزاری تظاهرات و اعتراضات گسترده بوده است. (Tashjian, 2013: 9)

نکته مهم دیگری که در اینجا باید به آن اشاره نمود، تأثیرات قدرت نرم انقلاب اسلامی بر جنبش مردمی بحرین است. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، کشورهای اسلامی از امواج تبلیغاتی انقلاب اسلامی ایران در امان نماندند. انقلاب ایران خودآگاهی سیاسی شیعیان بحرین را برای اعتراضات عمومی تشویق کرد. (Jones, 2006: 213-233) روحانیون ایران در مورد بحرین سخنرانی کردند و اعضای جنبش شیعی بحرین (جبهه اسلامی آزادی بحرین) به تهران سفر کردند. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ اپوزیسیون بحرینی - شیعه و سنی - تحت تأثیر بحرینی‌های سکولار بود. پس از انقلاب، جنبش‌های اسلامی رهبری اپوزیسیون را در دست گرفتند. با گشودن این فصل جدید مذهبی شیعیان آرام آرام در سمینارهای مذهبی در قم، شهر مذهبی و شهر نهادهای روحانیون شیعی ایران حضور یافتند. برای نخستین بار مراسم نماز جمعه در بحرین برای بررسی شکایات مردم در مورد بیکاری و عدالت اجتماعی در مساجد برگزار شد. (Bahri, 2000: 131) به‌طور کلی با توجه به پیشینه تاریخی - فرهنگی و سیاسی جامعه این دو کشور، سنخیت‌های زیاد میان حرکت انقلابی مردم بحرین با انقلاب اسلامی مردم ایران می‌توان مشاهده نمود. برای نمونه، می‌توان به شعارها و نمادها، رهبری قیام و فرهنگ شهادت از جمله وجوه مشترک میان انقلاب دو ملت ایران و بحرین اشاره نمود.

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال خیزش مردمی بحرین

چنان‌که در بحث نظری این پژوهش اشاره شد، از نگاه سازه‌انگاران، سیاست خارجی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی از یک سو برآیند فهم و برداشت آنها از محیط داخلی، اسطوره‌ها، جهان‌بینی و باورهای عمومی

آنها و از سوی دیگر ناشی از رفتار عمومی سایر دولت‌ها در نظام بین‌المللی است. بنابراین، تمایل ایران برای ارائه الگوی بیداری اسلامی برای کشورهای عربی درگیر خیزش‌های مردمی متأثر از موقعیت ژئوپلیتیکی و همچنین گفتمان انقلاب اسلامی و با نقش‌های مختلف بازیگری ایران در عرصه سیاست خارجی مانند، پایگاه یا ام‌القری جهان اسلام، رهبری منطقه‌ای، رهبر معنوی جهان اسلام و مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی منطبق بوده است. تحولات سال ۲۰۱۱ بحرین نیز به دلیل موقعیت خاص این کشور و ملاحظات بین‌المللی و منطقه‌ای عمده در قبال تحولات آن، باعث شکل‌گیری واکنش‌ها و رویکردهای مختلف، به خصوص از سوی بازیگران منطقه‌ای شد.

پس از وقوع تحولات بحرین، مقامات جمهوری اسلامی ایران در بالاترین سطوح، مواضع ایران را به‌عنوان قدرتی مهم و تأثیرگذار در منطقه و در راستای آموزه‌های گفتمان انقلاب اسلامی بیان و حمایت خود را رسماً از جنبش مردمی بحرین اعلام کردند. بر این مبنای رهبر جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که: یکی از اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی ایران اکنون محقق شده است و آنچه که او «بیداری اسلامی» در جهان عرب نامید را ستود و آن را نشانه حقانیت تلاش‌های بلندمدت ایران برای غلبه بر هژمونی منطقه‌ای غرب دانست. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی تبریک سال نو در دوم مارچ ۲۰۱۱، بر حمایت مقتدرانه از خیزش‌های مردمی منطقه تأکید کرد و اظهار داشت؛ که ایران از برادران شیعه و سنی که اکثریت مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند، حمایت خواهد کرد. ما هیچ تفاوتی میان غزه، فلسطین، تونس، لیبی، مصر، بحرین و یمن قائل نیستیم. ما از ۳۲ سال پیش از فلسطین که شیعه نیستند حمایت کرده‌ایم. این مسئله شیعه و سنی نیست، این اعتراض یک ملت بر علیه سرکوب است (Abdo, 2013: 1). و بر این امر تأکید کردند که: «ما بنای مداخله در مسئله بحرین نداریم، چراکه نه ممکن و نه مطلوب ماست». (هزاوه‌ای و باوربان، ۱۳۹۵: ۱۸۲)

حکومت ایران نقشه ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه را که در پی شورش‌های موسوم به بهار عربی در حال ترسیم بود از نزدیک رصد می‌کرد و موضع خود را در شرایط جدید مساعد می‌دید. فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران (سردار قاسم سلیمانی) دسترسی استراتژیک ایران را این‌گونه خلاصه کرد: امروز ما شاهد صدور انقلاب ایران در سراسر منطقه از بحرین تا عراق و سوریه و یمن و شمال آفریقا هستیم. (Rabi & Muller, 2018: 62-65) در اظهاراتی مشابه نماینده آیت‌الله خامنه‌ای در نیروی قدس، علی شیرازی، بیان کرد که: دشمنان ما خوشحال باشند یا ناراحت، امواج انقلاب اسلامی از آغاز انقلاب در حال گسترش بوده است و امروز ما در عراق، افغانستان، پاکستان، بحرین، یمن و حتی عربستان سعودی قدرت و نفوذ داریم. یحیی رحیم‌صفوی مشاور ارشد نظامی رهبر ایران نیز اظهار داشت؛ که شورش‌های عربی دیکتاتورها را به زیر کشید و پیش‌بینی کرد که برخی از پادشاهی‌های خلیج فارس نیز تا سال ۲۰۳۰ سرنگون خواهند شد. (Rabi & Muller, 2018: 59-61)

در مقابل، کشورهای حوزه خلیج فارس در واکنش به اعتراضات و درخواست‌های توده مردم برای تغییر رژیم و نه توزیع برابر قدرت سیاسی، به سمت تاکتیک دیرینه خود یعنی مقصر شمردن ایران به مداخله در امور بین‌المللی خود روی آوردند. و رهبران سعودی اعتراضات را شورش‌های فرقه‌ای و آن را توطئه‌ای از جانب ایران می‌دانستند که هدفش تضعیف رژیم‌های عرب خلیج فارس است. حکومت بحرین، آشکارا ایران را مسئول شورش‌های کشورش دانست. این تاکتیک موجب شد آنها ریشه‌های ناراضی‌ها را متوجه عوامل بیرونی کنند و آنها را از هرگونه شکایت داخلی ممکن منحرف ساخت و آنها را به تله کشمکش گسترده‌تر نفوذ و قدرت منطقه‌ای بین عربستان سعودی و ایران انداخت. وزیر امور خاجه امارات به ایران هشدار داد که به وحدت و حاکمیت کشورهای خلیج [فارس] احترام بگذارد. (Coates Ulrichsen, 2013: 10)

این تاکتیک، اهداف دوگانه‌ای را پی‌گیری می‌کرد: نخست رژیم‌های سنی را قادر می‌ساخت هرگونه فعالیت اپوزیسیون شیعی یا درخواست برای اصلاحات را با موضوع وفاداری‌های شیعی و دخالت ایران و تهدید از جانب آن درهم‌آمیزند و دوم با به تصویر کشیدن معترضان به مثابه افراطیون بالقوه یا خائنین با جلوگیری از ظهور اپوزیسیون متحد میان فرقه‌ای، با کارت «تفرقه بیانداز و حکومت کن» بازی کند. هر دو تاکتیک در خیزش‌های ۲۰۱۱ بحرین و سایر کشورهای خلیج [فارس] با شدت و جدت به کار گرفته شد (Coates Ulrichsen, 2013: 9) با این حال، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که هیچ شواهدی وجود ندارد که این اتهامات را تأیید و یا به‌طور مستقیم ایران را به افرادی که در آن زمان در طول بهار عربی در خیابان‌های بحرین حضور داشتند، مرتبط سازد.

(Terrill, 2011: 23; Mabon, 2012: 92; Rafati, 2012: 51)

به‌طور کلی، در خصوص بحرین «واکنش ایران به مراتب محتاطانه‌تر و سنجیده‌تر از آن چیزی بود که بسیاری از پادشاهی‌های خلیج فارس انتظار داشتند، چراکه آنها تصور می‌کردند که ایران قصد دارد فرماندهی هلال شیعی را در منطقه به دست بگیرد. (Chubin, 2012: 22) موضع تهران در حمایت از صدای مردم ستمدیده بود و در آن لحظه هیچ تمایزی بین شیعه و سنی را منصفانه نمی‌دانست. آیت‌الله خامنه‌ای اظهار داشت: «ایران از جنبش‌های مردمی حمایت می‌کند که تحت شعار اسلام و آزادی هستند (...). ما بین غزه، فلسطین، تونس، لیبی، مصر و بحرین تمایز قائل نیستیم» (Zarrabi-Khadhni, 2014) این بیانات نشان از تأکید ایران بر نقش ام‌القرای جهان اسلام و رهبری منطقه‌ای ایران دارد. در رویکرد رهبران ایران نسبت به تحولات بحرین؛ همچنین می‌توان نقش و مواضع ضد امپریالیستی ایران را نیز شناسایی نمود، زیرا این کشور، ایالات متحده را متهم به بهره‌برداری از بهار عربی به نفع خود کرد. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور آن زمان، اظهار داشت که غرب، با تبلیغ این مسئله که میان اهل سنت و شیعیان بحرین شرایط جنگی حاکم است «مناقشه غیرضروری میان عربستان سعودی و ایران را تحریک می‌کند». (Tehran Times, 2011a)

به گفته رسانه‌های رسمی ایران، پادشاه عربستان و دیگر پادشاهی‌های خلیج فارس، شورش بحرین را سرکوب کردند چراکه نگران بودند انقلاب واقعی به مرزهای کشور آنها برسد (Furtig, 2013: 13). در بیانیه رسمی وزارت امور خارجه، این کشور از بحرین می‌خواهد که خشونت بیش از حد علیه مردم خود را متوقف کند، و این نشان می‌دهد که تهران انتظار داشت رژیم آل‌خلیفه با درخواست‌های مردم به نحو محتاطانه و با احترام برخورد کند و این که تهران به حق افراد برای درخواست‌های مسالمت‌آمیزشان احترام می‌گذارد. (Tehran Times, 2011b)

ایران، همچنین در مجمع عمومی، سستی و انفعال سازمان ملل متحد را مورد سؤال قرار داد و تأکید کرد «نیروهای سپر جزیره جنبش مردمی را سرکوب، به خانه‌های مردم حمله و تظاهرکنندگان را می‌ربایند، اما متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوعات را نادیده می‌گیرد و هیچ موضعی اتخاذ نمی‌کند. (Mehr News Agency, 2011: 14) در نهایت می‌توان گفت واکنش ایران به تحولات بحرین، بیشتر رتوریکال و منفعلانه بود. هیچ سند و مدرکی مبنی بر مداخله ایران در بحرین وجود ندارد. برعکس، ایران در طول حکومت نظامی در بحرین، وزیر امور خارجه خود را برای جلوگیری یا کاهش خسارات احتمالی در روابط خود به بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] فرستاد (بازدید از دبئی، ابوظبئی، مسقط و کویت). به‌طور خلاصه، می‌توان واکنش ایران به این تحولات را ناشی از نقش‌های ملی ایران در گفتمان این کشور تلقی نمود. ایران در مورد تحولات بحرین، هیچ رفتاری مبنی بر حمله به عربستان سعودی و یا تشدید رقابت با این کشور به روش مستقیم در پیش نگرفت. (Downs, 2012: 22)

بنابراین، با وجود اینکه توسل به اتحاد شیعه، موقعیت ایران را به مثابه بازیگر فعال در منطقه تقویت کرده، دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرهیز از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شیعیان منطقه از جمله بحرین علیه حکومت‌های سنی و وابسته به غرب، بیشتر بر ارزش‌های مشترک در میان امت اسلام تکیه و تأکید کرده است که ضمن سازگاری با نقش «ام‌القرایی» آن، حساسیت‌های کمتری را برمی‌انگیزد (توال، ۱۳۸۴: ۶۰). هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین که برگرفته از تاریخ و سرنوشت مشترک این کشور با ایران تا قبل از جدا شدن آن در زمان رژیم پهلوی دوم است، در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران از هرگونه تحولات مردم‌سالارانه که مسلماً نتیجه آن به قدرت‌یابی شیعیان خواهد انجامید، استقبال می‌کند. از آغاز بحران، گروه‌های مختلف داخلی و به‌طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس هم‌بستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسئله بحرین، در سطح افکار عمومی ایران بسیار با اهمیت

است. (دهشیری و نجاتی آرانی، ۱۳۹۱: ۳۰۷ - ۳۰۱) ایران به مداخله سعودی‌ها در بحرین و تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس برای متهم کردن تهران به ایجاد ناآرامی در بحرین واکنش نشان داد و این مداخله را اشغال‌گری خواند. همچنین رهبران ایران خواستار مداخله سازمان ملل برای «توقف کشتار مردم بحرین» شدند. (Terrill, 2011: 19) منوچهر متکی وزیر سابق خارجه کشورمان نیز در یادداشتی که تقدیم رسانه‌ها نمود، اقدام سعودی‌ها در دخالت نظامی در بحرین را «بازی با آتش» خواند و به حکام ریاض توصیه کرد قبل از آنکه دیر شود و سرنوشت نامناسبی برای سربازان عربستانی رقم بخورد، نیروهای خود را از بحرین خارج کنند. (عصرایران، ۲۶ اسفند ۱۳۸۹)

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی براساس آموزه‌های دینی و آرمان‌های انقلابی با استفاده از رویکردی مسالمت‌آمیز و به‌کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و گفتگو با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برای حل قضیه بحرین تلاش می‌کند. (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۸۶) از این‌رو، ضمن حمایت از قوای انقلابی، از به قدرت رسیدن آنها خرسند است تا ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای خود، رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دشمن استراتژیک خود را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو سازد. همسایگی مصر با رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانی با آن از مواردی است که بحرین را در سیاست خارجی ایران برجسته و با اهمیت می‌کند. (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۸)

موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال این بحران همچنین در چارچوب رویکرد امنیت منطقه‌ای قابل درک و تبیین است. ایران به‌عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای طبعاً نمی‌تواند نسبت به امنیت محیط پیرامونی خود بی‌تفاوت باشد. تأمین امنیت، کارکرد ذاتی سیاست خارجی کشورهاست. از این نگاه، جمهوری اسلامی ایران برخلاف اتهامات وارد شده، رویکرد طایفه‌ای به بحران بحرین ندارد بلکه آن را به‌عنوان یک نگرانی امنیتی می‌بیند. (روحانی، ۱۳۹۳: ۱۳) آنچه که بر نگرانی‌ها نسبت به بحران بحرین می‌افزاید، تبعات منطقه‌ای آن است. بدون تردید نقطه آغازین سرایت بحران از داخل به خارج، مداخله نظامی عربستان در روند سرکوب اعتراضات به هنگام شروع بحران بوده است. این اقدام چالش جدیدی در روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دو قدرت اثرگذار منطقه برجای گذاشته و بر اختلافات منطقه‌ای دو طرف افزوده است. (روحانی، ۱۳۹۳: ۲)

باین‌حال، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین، همواره تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین جدید به‌عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست سعی دارد با کم‌رنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور

را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند. (مظفری، ۱۳۸۴: ۱۱۲) بنابراین، ایران در طول بحران بحرین سعی کرد از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده نماید. به‌کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در جهت محکوم کردن آل خلیفه و به نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی، برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات در اعتراض به اقدامات آل خلیفه و آل سعود و اقدامات نمادین اعتراضی در ایران و حتی سایر کشورهای منطقه، اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند نوشتن نامه به دبیر کل سازمان ملل و رایزنی با مجامع بین‌المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، در این خصوص قابل اشاره است. (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۸)

باتوجه به شرایط امروز جهان اسلام خصوصاً بحرین، انتظار می‌رود موج سوم بیداری اسلامی (تحولات اخیر خاورمیانه) با پشتوانه موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران)، به شکل‌گیری جلوه جدیدی از تمدن اسلامی با احیای این تمدن در قالب‌های نو و متناسب با شرایط زمانی و مکانی موجود بینجامد. آن‌چنان‌که پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ ملت مسلمان ایران بود، بلکه توانست ایده‌ای جدید با مؤلفه‌ها و آرمان‌های نوین برای جهانیان محصور در خرد بی‌بنیان سوداگرانه عرضه کند. به‌دلیل آنکه بحرین یک کشور شیعی است، ایران هم به‌طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هموعان و هم‌مذہبان خود در منطقه حساس است. (دهشیری و عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۶۶) نکته مهم دیگر اینکه به‌رغم برخی اقدامات دولت بحرین برای کاهش مخالفت‌ها و به خصوص ایجاد چهره‌ای اصلاح‌طلب و مسالمت‌جو از حکومت، این اقدامات سطحی که تنها با هدف کاهش نارضایتی‌ها صورت می‌گیرد نتوانسته است باعث کاهش شکاف بین اکثریت مردم و حاکمیت آل خلیفه شود. در نتیجه، اعتراضات مردمی تداوم یافته و حکومت نیز از ابزارهای امنیتی برای کنترل بحران استفاده می‌کند. (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۵۵)

در پایان باید گفت دستور کار سیاست خارجی ایران در مورد بحرین ترجمانی از راهبرد جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری و تمرکز بر اعتدال‌گرایی است. چنین ایده‌ای می‌تواند بحران موجود در بحرین را به یک راه حل پایداری برساند و نتایج حاصل از آن هم در جهت ثبات بحرین خواهد بود و هم به امنیت منطقه کمک خواهد کرد.

نتیجه

در این نوشتار تلاش گردید بر پایه نظریه و رویکرد سازه‌انگاری به این پرسش پاسخ داده شود که جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین چه رویکردی را در سیاست خارجی خود در پیش گرفته

است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی و نیز فهم و برداشت از نقش‌های ملی خود در سیاست خارجی، در عین مخالفت با هرگونه دخالت و حضور نیروهای خارجی در بحرین در راستای هرچه مطلوب‌تر شدن وضعیت شیعیان این کشور گام برداشته است. شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی - امنیتی داخلی و خارجی باعث تقویت آن شده است. چنان‌که اشاره شد، مسئله مهم و تأثیرگذار در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه از لحاظ راهبردی و تاکتیکی نسبت به عربستان برتری دارد که دلیل آن جذابیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران برای هویت‌های اسلامی منطقه است که عربستان به دلیل تأکید بر اندیشه افراطی وهابیت از آن بی‌بهره است. بر این اساس، در بسیاری از حوزه‌ها میان ایران و عربستان نوعی کشمکش نیابتی در جریان است. در عین حال، سعودی‌ها در حوزه‌هایی مانند بحرین، فلسطین و لبنان که خود را بازنده می‌بینند مدعی هستند ایران در امور آن کشورها دخالت می‌کنند. آنها به تسلط حکومت‌های سنی بر منطقه تمایل دارند و به این موضوع به عنوان بازی برد - باخت مقابل شیعیان می‌نگرند. به همین دلیل، تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد و رویکرد فعالانه‌ای در این خصوص اتخاذ نماید. بنابراین بر پایه آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی که دفاع از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های حق‌طلبانه، برقراری روابط دوستانه با کشورهای مسلمان از مهم‌ترین آنهاست، نقش هدایت‌گر این کشور در بیداری اسلامی، و نیز انتظاراتی که ملت‌های مسلمان منطقه از آن دارند خود را ملزم به حمایت از این جنبش‌ها می‌داند. در پی وقوع قیام مردمی در بحرین، ایران تنها کشور ناچای مردم بحرین بود که از همان آغاز بر حل مسالمت‌آمیز مسائل از طریق برگزاری انتخابات سالم و همچنین گفتگوهای مسالمت‌آمیز تأکید کرد و نیز به لزوم توجه حکومت بحرین نسبت به درخواست‌های مردمی نظر داشت و هرگونه اقدام سرکوب‌گرانه آل خلیفه و ورود نظامیان موسوم به «سپر جزیره» در بحرین را محکوم کرد و در برابر آن واکنش نشان داد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران بایستی با دقت هرچه تمام، سناریوهای

مختلف آمریکا و عربستان را در بحرین و همچنین شیب و سرعت خیزش‌های مردمی در این کشور را از منظر امنیت ملی مورد تأمل قرار دهد. از طرف دیگر، درخواست بزرگ‌ترین حزب شیعه بحرین (حزب الوفاق) برای شکل‌گیری نظام سلطنتی مشروطه، که نقش شیعیان را در روند تقنینی، اجرایی و قضایی این کشور افزایش دهد، می‌تواند اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر معادلات امنیتی خلیج فارس را افزایش دهد.

منابع و مأخذ

۱. «عربستان و بازی با آتش»، سایت تحلیلی - خبری عصر ایران، ۲۶ اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/159930>
۲. آدمی، علی، ۱۳۹۱، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
۳. اسدی، علی اکبر و محمد زارع، «بحرین بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای»، ۱۳۹۰، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری، سال دوم.
۴. بیلیم، جان و استیو اسمیت، ۱۳۸۳، جهانی شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران، مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.
۵. توال، فرانسوا، ۱۳۸۴، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران، ویستار، چاپ دوم.
۶. توتی، حسینعلی و احمد دوست‌محمدی، ۱۳۹۲، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۲۲۶ - ۲۰۹.
۷. دهشیری، محمدرضا و حمزه نجاتی آرانی، ۱۳۹۱، «چالش‌های مشترک فرهنگی - مذهبی فراروی گفت‌وگو بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، ص ۳۱۴ - ۲۹۹.
۸. دهشیری، محمدرضا و علی عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴، «رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (مطالعه موردی بحرین و سوریه)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۷۵ - ۵۵.
۹. ذوالقدر، مالک و مهدی میرمحمدی، ۱۳۹۵، بازدرآمدی بر تحلیل سیاست خارجی، تهران، مخاطب.
۱۰. رضایی، مسعود و شهاب جهانیان، ۱۳۹۳، «انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، بهار ۹۳، شماره ۳۶.
۱۱. روحانی، محمدهادی، «بحران بحرین و راه حل‌های ممکن»، سایت دیپلماسی ایرانی، ۲ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1944494/>
۱۲. سلیمی، زهره و مریم فخاری، «بحران در بحرین»، سرویس بین‌المللی فرارو، ۷ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در: <http://www.moghavemat901.blogfa.com/post-60.aspx>

۱۳. شفیعی، نوذر و روح‌الله زمانیان، ۱۳۹۰، «مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری)»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، پاییز ۹۰، شماره ۲۸۵.
۱۴. طلائی، مسعود، «بررسی روابط ایران و بحرین در گذر تاریخ»، *مرکز مطالعات خلیج فارس*، ۲۷ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در:
<http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=810>
۱۵. گلی زواره‌ای، غلامرضا، ۱۳۹۱، «سیری در تاریخ و جغرافیای سرزمین بحرین: آتشفشان شیعیان بحرین بر کرانه خلیج فارس»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، شماره ۶۱۶، ص ۳۵ - ۳۰.
۱۶. متقی، افشین، ۱۳۹۴، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در ارتباط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۴۲.
۱۷. مظفری، فرشته، ۱۳۸۴، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، تابستان ۸۴، شماره ۸.
۱۸. نیاکوئی، سید امیر، ۱۳۹۰، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۴.
۱۹. _____، ۱۳۹۱، *کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۲۰. نیکو، حمید، «ماهیت‌شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین»، *بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی*، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://iranemoaser.ir/content/427>
۲۱. هزاوه‌ای، سیدمرتضی و فریده باوریان، ۱۳۹۵، «بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسئله بیداری اسلامی (مطالعه موردی: قیام مردم بحرین)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۹.
۲۲. واعظی، محمود، ۱۳۹۲، *انقلاب و تحولات سیاسی در خاورمیانه*، تهران، وزارت امور خارجه، اداره نشر.
23. Abdo, Geneive, 2013, "The new sectarianism: The Arab Uprising and the Reberth of the Shia- sunni Divid", *Analysis Paper*, Number 29. April.
24. Alhasan, H T, 2011, "The role of Iran in the failed coup of 1981: the IFLB in Bahrain", *Middle East Journal*, 65 (4)
25. Alrasheed, Madawi, 2011, *Sectarianism as Counter-Revolution: Saudi Responses to the Arab*.
26. Ayoob, Mohammed, 2012. "The Arab Spring: its geostrategic significance", *Middle East Policy*, Vol. XIX, No. 3.
27. Bahri, Luayy, 2000, "The Socioeconomic Foundations of the Shiite Opposition in Bahrain", *Mediterranean Quarterly*, Vol. 11-131.
28. Chubin, Sgahram, 2012, "Iran and the Arab Spring: Ascendancy Frustrated", *GRC Gulf Papers Genebra, GRC*
29. Coates Ulrichsen, K., 2013, Bahrain's Uprising: Regional Dimensions and ???.

30. Downs, Kevin, 2012, A Theoretical Analysis of the Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain. *Journal of Politics & International Studies*, Vol. 8.
31. Fuller, Graham & Rend Franck, 1999, *The Arab Shia: The Forgotten Muslims*, New York, St. Marti press.
32. Furtig, Henner, 2013, *Iran and the Arab Spring: Between Expectations and Disillusion*, GIGA.
33. Katzenstein, Peter, 1996, *Cultural Norms and National Security*, Itnaca: Cornele university press.
34. Lesser Eric and Etal, 2000, *Knowledge and Communities*, Boston, Butter Worth, Heinemann.
35. Mabon, Simon, Jane 1, 2011, "The Battle for Bahrain: Iranian – Saudi Rivalry", Middle East Policy council, available at <https://mepc.org/battle-bahrain-iranian-saudi-rivalry>.
36. Mehr Agency News, 2011, *Iran's support for uprisings has nothing to do with Sunnism*.
37. Onuf, N., 2002, *Worlds of our making: the strange career of constructivism in international Relation*, Cambridge: Harvard university press.
38. Pinto, Carvalho, 2014, *Exploring the interplay between Framing and Securitization*.
39. Rabi Uzi & Mueller Chelsi, 2018, "The Geopolitics of Sectarianism in the Persian Gulf", *Asian Journal of Middle eastern and Islamic Studies*.
40. Rafati, Naysan, 2012, *After the Arab Spring: power shift in the Middle East?: Iran and the Arab Spring*, LSE Research Online - London School of Economics and Political Science.
41. Remete, Ágnes, 2012, *The "Shiite Crescent": Fact of Fiction? The Reality of Potential Power*.
42. Ritbergger Volker, 2002, *Approaches to the Foreign Policy derived from International Relations Theories*, Paper Prepared Annual Meeting of the International Studies, New Orleans, and March.
43. Sackman M, and N. Audi, 2011, "Security forces in Bahrain open fire on protestors", *The New York Times*, 18 February 2011.
44. T.C. Jones, 2006, "Rebellion on the Saudi periphery: modernity, marginalization, and the Shia uprising of 1979", *International Journal of Middle East Studies* 38(2), (2006), p. 213-233.
45. Tashjian, Yeghia, 2013, "The Holy Alliance of Gulf Cooperation Council", Strategic Outlook, available in: http://strategicoutlook.org/publications/The_Holly_Alliance_of_GCC.pdf
46. Tehran Times, 2011a, *Hegemons want Shia -Sunni war: madinejad*.
47. Tehran Times, 2011b, Iran tells Bahrain to avoid violence against protesters. 15 de março. Disponível em: <http://www.tehrantimes.com/news/237478/Iran-tells-Bahrain-to-avoid-violenceagainst-protesters>
48. Terrill, W. Andrew, 2011, "The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security", *the Strategic Studies Institute* (SSI).
49. Went, A., 1999, *Social Theory of international politics*. Cambridge: Cambridge university press.
50. Zarrabi-Kadhani, 2014, Iran and the Arab Spring: Then and Now. Muftah. Disponível em: <http://muftah.org/iran-arab-spring-now/#.Vw5XzjArLIU>.